

بررسی جامعه شناختی تنوع گویش گیلکی در مقایسه با زبان فارسی

واژگان کلیدی

* جامعه‌شناسی زبان

* تنوعات گویشی

* گیلکی

* زبان فارسی

مرجان حیدرپور میمه* mheydarpour@yahoo.com

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

دکتر هنگامه واعظی

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

چکیده

مقاله حاضر با هدف بررسی ارتباط بین نواحی جغرافیایی و تنوعات گویش گیلکی انجام گرفته است. در این پژوهش تلاش گردید تا نشان داده شود در نواحی مختلف جغرافیایی، تفاوت‌های گویشی هست. به این منظور داده‌های رایج گیلکی از گویشوران گیلک زبان و صحبت‌هایشان جمع‌آوری گردید. بررسی داده‌ها در این پژوهش نشان داد که گویش‌های گیلکی نواحی مختلف جغرافیایی (شرقی و غربی) تفاوت‌هایی دارند. نتایج حاکی از آن است که در نواحی مختلف جغرافیایی، تنوعات گویشی به لحاظ آوایی، دستوری و نحوی مشاهده می‌شود. لذا از این مطالعه این نتیجه حاصل شد که ناحیه جغرافیایی به عنوان یکی از متغیرهای غیر زبانی سبب گوناگونی گویشی می‌شود اما زبان فارسی در مقام زبان معیار و زبان غالب در جامعه بر تنوعات گویشی تأثیر بسزایی دارد.

۱- مقدمه

علم زبان‌شناسی، زبان را با روش‌های علمی و نظریه‌های بنیادی مورد مطالعه قرار می‌دهد. زبان یکی از توانایی‌های شگفت‌انگیز انسان است که وی را از حیوان متمایز می‌کند. انسان از طریق زبان با هم‌گروهی‌های خود در جامعه ارتباط برقرار می‌کند و تبادل اطلاعات انجام می‌دهد. پس زبان علاوه بر نقش تبادل اطلاعات، نقش تعامل اجتماعی را نیز بر عهده دارد. بررسی چنین پدیده‌ی با عظمتی، دستاوردهای علمی بسیاری داشته است که باعث ارتباط با حوزه‌های علمی دیگر شده است. زبان‌شناسی با علومی مانند فلسفه، روان‌شناسی، عصب‌شناسی، ادبیات، حقوق، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، آموزش و مردم‌شناسی در ارتباط است. در بررسی‌های میان زبان و جامعه، رابطه‌ی میان طبقات گوناگون جامعه، تفاوت‌های جغرافیایی، تمایزات جنسیتی و طبقاتی، گوناگونی زبانی و به طور کلی، مباحث متنوعی مربوط به محیط زندگی انسان مطرح می‌شود. دقت در لهجه و گویش فرد کاملاً نشان می‌دهد که ما اهل کجا هستیم و با چه زبانی صحبت می‌کنیم.

در بررسی جامعه‌شناختی زبان، به عواملی چون مسافت، موانع طبیعی و شرایط جغرافیایی چون کوه و منطقه جغرافیایی اشاره می‌شود زیرا چنین عواملی توأم با عوامل اجتماعی دیگر مانند تحصیلات، خانواده، جنسیت، سن و شغل در زبان افراد بسیار موثر هستند.

پژوهش حاضر با تأکید بر عامل منطقه جغرافیایی به بحث در زبان در باب گوناگونی زبانی یا تنوع گویشی می‌پردازد. در جامعه‌شناسی زبان یا زبان‌شناسی اجتماعی، محققان بر این باورند که مشخصات جغرافیایی مانند مسافت، موانع و فواصل در پیدایش گویش‌های منطقه‌ای بسیار اهمیت دارند.

دبیرمقدم (۱۳۸۷) بر این باور است که مفاهیم زبان، گویش، لهجه و گونه از مفاهیم اساسی و پر کاربرد در زبان‌شناسی هستند و نخستین پرسشی که پژوهشگر با آن روبرو می‌شود تعریف این مفاهیم است. تعریف اصطلاحاتی مانند زبان و گویش کاملاً روشن نیست و چنین تعابیری تا حدی ابهام دارند (وارداف ۲۰۰۶). کوک (۲۰۰۳) معتقد است که گویش‌ها منطقه‌ای هستند. گویش‌ها از زبان معیار هم به لحاظ تلفظی، دستوری و واژگانی متفاوتند. پس چنین اصطلاحاتی به جامعه ارتباط دارند و گروه‌های متفاوتی که در مناطق گوناگون جغرافیایی با

فرهنگ‌های متنوع زندگی می‌کنند گویش، لهجه و گونه‌های متفاوتی را به کار می‌برند (فرامکین و دیگران، ۲۰۱۴).

جامعه‌ای که در آن دو زبان رسمی یا چند زبان رسمی کاربرد داشته باشد، جامعه دو زبانه یا چند زبانه نامیده می‌شود (مدرسی، ۱۳۹۳). بنابراین یک جامعه زبانی بطور همگن از زبان استفاده نمی‌کند. بسیاری از زبان‌شناسان بر این باورند که اصطلاح گویش در مورد تفاوت‌های تلفظی، دستوری و واژگانی گونه‌های زبانی و اصطلاح لهجه تنها در مورد تفاوت‌های تلفظی آنها به کار گرفته می‌شود (مدرسی، ۱۳۹۳).

در بررسی چنین تفاوت‌هایی یا گوناگونی‌هایی، معیارهای زبانی و غیر زبانی مورد توجه هستند. معیارهای غیر زبانی عبارتند از مسایل فرهنگی، جغرافیایی، سیاسی، جنسیتی و مانند اینها. در پژوهش حاضر بحث جغرافیایی و منطقه‌ای مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد.

منطقه جغرافیایی، یا به عبارتی جغرافیای منطقه‌ای و فیزیکی که بر وجود مشخصه‌های زمین و مناطق مختلف با ویژگی‌های محیطی خاص دلالت می‌کند؛ یکی از مهم‌ترین و مشخص‌ترین عواملی است که بر گوناگونی و تفاوت‌های زبانی تأثیرگذار است. گویندگان یک زبان با توجه به منطقه جغرافیایی که در آن به دنیا آمده‌اند، زندگی می‌کنند و زبان را با افرادی که در یک منطقه جغرافیایی دیگری زندگی می‌کنند، متفاوت به کار می‌برند.

اساساً هر زبانی که در سطح وسیع مورد استفاده قرارگیرد، دارای تنوع گویشی فراوان است. نواحی روستایی در مقایسه با نواحی شهری تمایل بیشتری به حفظ ویژگی‌های گویش‌های محلی خود دارند. گویش‌های سنتی همچون پلی ارتباطی با پیشینه‌ی آن جامعه ارزش بسیاری دارند (حیدرپور، ۱۳۸۹: ۱).

۲- موقعیت جغرافیایی و وسعت استان گیلان

استان گیلان با مساحت ۱۴۰۴۲ کیلومترمربع یکی از استان‌های شمالی ایران است که در کرانه جنوب غربی دریای خزر و دامنه‌های شمالی البرز غربی و دامنه‌های شرقی تالش واقع شده است. این استان یکی از سرسبزترین، زیباترین و حاصل خیزترین استان‌های کشور است.

از نظر ناهمواری در استان گیلان، دو ناحیه قابل تشخیص است: یکی، ناحیه کوهستانی و دیگری، ناحیه پست. ناحیه کوهستانی و مرتفع: این بخش، قسمتی از مجموعه ناهمواری های جنوب دریای خزر است که از دره رود آستارا در شمالی ترین نقطه تا کوه های سُمّام در شرق کشیده شده است و شامل دو مجموعه مجزا تحت عنوان کوه های تالش و کوه های البرز می شود که به وسیله دره سفیدرود از هم جدا می شوند (سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، ۱۳۹۷).



نقشه ناهمواری های استان گیلان

ناحیه پست و هموار: ناحیه پست و هموار گیلان باریکه جنوبی دریای خزر است که بلافاصله از دریا شروع شده و امتداد آن تا پای کوه های البرز و تالش می رسد. در بعضی قسمت ها از جمله محدوده آستارا و تالش و همچنین رودس تا چابکسر، وسعت جلگه به حداقل می رسد؛ در حالی که در امتداد سفیدرود، جلگه عریض می شود.



نقشه پستی و بلندی‌های استان گیلان

وسعت حوضه آبریز این رود معادل ۵۶ ۲۰۰ کیلومترمربع است. سفیدرود پرآب‌ترین رودخانه گیلان است که می‌توان گفت سهمی از گیلان حاصل خیز را به مردم این استان هدیه کرده است. شاخه اصلی این رود، قزل اوزن نام دارد که از کوه‌های چهل چشمه ۱ در کردستان سرچشمه گرفته، در مسیر خود بخشی از آب‌های آذربایجان و زنجان را زه‌کشی و در منجیل به شعبه دیگری به نام شاهرود می‌پیوندد و از آن پس، به سوی گیلان سفیدرود نامیده می‌شود. کوه‌های چهل چشمه به زبان محلی، چهل جم گفته می‌شود (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۹۷). هر منطقه جغرافیایی، علاوه بر تفاوت‌های فرهنگی، آب و هوایی، شیوه‌های زندگی و مسایل زیست محیطی؛ در گویش و زبان محلی خود نیز متنوع هستند. اهالی هر منطقه در این استان، گویش و گونه محلی خود را به کار می‌برند که به لحاظ ویژگی‌های زبان‌شناختی متفاوت هستند.

۳- پیشینه

تحقیق درباره‌ی گویش‌ها و لهجه‌های شمال ایران به‌ویژه گیلکی، نخستین بار از سوی پژوهشگران اروپایی آغاز شد و زبان‌شناسان کشورهای اروپا قبل از دانشمندان، به تحقیق و بررسی گویش‌های ایرانی از جمله گیلکی پرداختند. پژوهشگران روسیه تزاری در این زمینه مقدم بر سایرین بودند. اولین محقق که دستور گیلکی را نوشت، برزین بود (پورهادی، ۱۳۸۵).

این ایران شناس، کلیه نکات مربوط به زبان‌های حوزه‌های جنوبی دریای خزر را مدون و برای آن دستور نوشت.

زبان و گویش ایرانی را می‌توان به دو گروه اصلی غربی و شرقی بر اساس قرابت‌های جغرافیایی و ساختاری تقسیم کرد. گروه غربی به دو گروه شمال غربی و جنوب غربی تقسیم می‌شود که گویش گیلکی از جمله زبان‌های ایرانی شمال غربی محسوب می‌گردد. دسته بندی‌های متفاوتی از گویش‌های رایج در گیلان توسط پژوهشگران ارایه شده است.

دبیرمقدم (۱۳۹۲) در بحث رده‌شناختی خود از زبان‌های ایرانی، به تعریف زبان، گویش و گونه پرداخته است. وی زبان فارسی را زبان رسمی و دیگران را زبان‌های رسمی می‌داند. زبان‌ها و گویش‌ها به لحاظ نظام حالت، مطابقه و ترتیب سازه‌ها بررسی شده‌اند.

پورهادی (۱۳۸۵: ۱۴-۱۵) معتقد است مردم گیلان به زبان‌های گوناگون سخن می‌گویند که عبارتند از: گیلکی شامل گیلکی رشت، گیلکی مرکز و غرب گیلان، گیلکی شرق گیلان با مرکزیت لاهیجان، گالشی، گیلکی رودبار، تالشی، تاتی، کردی کرمانجی و لری لکی. گویش گیلکی رشت از زبان فارسی تأثیر زیادی پذیرفته است؛ به طوری که امروز یک فرد غیر گیلانی با کمی دقت می‌تواند گفتگوی گیلکی را کم و بیش دریابد. برخی ویژگی‌های آوایی یا صرفی در گیلکی مشاهده نمی‌شود و بعضاً با واژه‌های فارسی جایگزین شده‌اند (طاهری و حسینی ماتک، ۱۳۹۶: ۱۶۰).

به هر روی، بسیاری از محققان ایرانی و غیر ایرانی گویش‌های متفاوت را از جنبه‌های متنوع مورد بررسی قرار داده‌اند؛ که هر یک از آن‌ها دستاورد ارزشمندی داشته است. در ادامه مقاله، پژوهش‌های مرتبط با موضوع ارایه می‌شوند.

۳-۱- مطالعات دستور نویسان و زبان شناسان ایرانی و غیر ایرانی

راستارگیو و دیگران (۲۰۱۲) ایران شناس برجسته روس، بنیان‌گذار بخش زبان‌های ایرانی در انستیتوی زبان شناسی فرهنگستان علوم روسیه مدتهای مدیدی پژوهش‌های ارزنده‌ای داشته‌اند. آن‌ها زبان گیلکی را از جنبه تاریخی، آوایی، دستوری مورد توجه قرار داده‌اند. در

این مطالعه زبان گیلکی رشت بیشتر از مناطق دیگر مورد توجه بوده است. در بیشتر موارد نمونه‌ها از گیلکی رایج در رشت است و توجهی به گونه‌های لاهیجانی و دیگر شهرستان‌ها نشده است.

رضایتی کیشه‌خاله و سبزیلیپور (۱۳۸۷) معتقدند که ریشه و ماده افعال از مهم‌ترین و اساسی‌ترین قسمت‌های هر زبان است. ریشه جزء بنیادی واژه است که میان لغت‌های تشکیل دهنده یک خانواده لغوی مشترک است و معنای اصلی آن لغت‌ها را در بردارد و ماده از افزودن جزیی به ریشه ساخته می‌شود. با استخراج ریشه‌ها می‌توان بسیاری از مبهمات زبان‌های ایرانی را در حوزه معنایی و دستوری گشود. ماده‌های فعلی، اساس ساخت فعل‌ها را در گویش‌های مختلف تشکیل می‌دهند و غالباً از تعدادی ریشه محدود مشتق شده‌اند. گویش‌های تاتی، تالشی و گیلکی از گروه زبانهای ایرانی شمال غربی‌اند که در حاشیه دریای خزر رایج‌اند. در این گویش‌ها بسیاری از عناصر زبانهای ایرانی دوره باستان و میانه حفظ شده است. در این مقاله نگارندگان، ابتدا به ریشه و ماده‌های فعلی و چگونگی ساخت آنها در گویش‌های مزبور پرداخته‌اند، سپس وجوه تشابه و تفاوت آنها را در این حوزه با یکدیگر بررسی کرده‌اند.

قلی‌فامیان و بصیرت (۱۳۹۳) به بررسی فرآیندهای آوایی گویش گیلکی بر مبنای اطلس زبانی پرداخته‌اند. هدف از آن پژوهش، تهیه اطلس زبانی، تشخیص فرآیندهای آوایی در سطح گیلان، ارزیابی مبنای آوایی در تقسیم گیلکی به بیه پس در مناطق غربی و بیه پیش در مناطق شرقی بوده است. آن‌ها پس از جمع‌آوری داده از گویشوران گیلکی، ۱۸ نوع فرآیند آوایی را بازشناختند. از نظر آنها میان تنوعات آوایی و متغیر جغرافیایی همبستگی وجود دارد. به علاوه مشخص شد که در شهرستان‌های غیر مرکزی استان و در رأس آن رودسر در مجاورت استان مازندران بسامد فرآیندهای آوایی بیشتر از شهرستان‌های مرکزی استان است. پورالخاص و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی ساخت فعل ماضی در گویش گیلکی شرق گیلان با تمرکز بر شهرستان‌های لاهیجان و سیاهکل پرداختند. آن‌ها تلفظ و شیوه گویشوران این مناطق را واکاوی نمودند. هدف از انجام پژوهش آن‌ها، شناخت و توصیف دقیق ساختار فعل ماضی در گویش گیلکی شرق گیلان بود. آنها سعی داشتند توصیفی دقیق و علمی از ساختار فعلی در این گویش‌ها ارائه دهند. آنها در نهایت به این نتیجه رسیدند که ساختار فعلی در

گیلکی شرق از لحاظ وجه و نمود با زبان فارسی تفاوت دارد. علاوه بر آن تفاوت های آوایی، واژگانی و ساختاری بسیاری میان این دو مشاهده نمودند.

۴- مبانی نظری تحقیق

در بررسی های زبانی مبتنی بر جامعه، گوناگونی زبانی مطرح است. زبان پدیده ای یک دست نیست. عوامل متعددی را زبان شناسان اجتماعی معرفی کرده اند که عبارتند از متغیرهای زبانی و غیر زبانی (مدرسی، ۱۳۹۳: ۱۴۱).

متغیرهای غیر زبانی عبارتند از منطقه جغرافیایی، سن، قومیت، جنسیت، شغل، طبقه اجتماعی، خانواده و مسایل فرهنگی جامعه همگی سبب ایجاد گونه های متفاوت زبانی می شوند. تنوعات زبانی در همه زبان ها مشاهده می شود. در بررسی های زبان شناسی اجتماعی اعتقاد بر این است که که تغییرات زبانی به مناطق جغرافیایی که نزدیک تر است، زودتر سرایت می کند. این نظریه را موج نامیده اند (مدرسی، ۱۳۹۳: ۱۴۵).

۵- روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر درصدد آن است که در ابتدا دریابد که گونه‌های متفاوت گیلکی غربی و شرقی در مناطق جغرافیایی چه تفاوت‌ها و چه شباهت‌هایی را نشان می‌دهند. سپس به تاثیر زبان فارسی بر گونه های گیلکی بطور کلی می‌پردازد. شیوه کار تحلیلی- توصیفی است. برای جمع آوری داده ها، از تعدادی از گویشورهای بومی گویش گیلکی ساکن رشت، باسواد و بی‌سواد و حدود سنی ۳۵ تا ۶۵ سال بصورت تصادفی مصاحبه به‌عمل آمد. همچنین از منابعی مانند فرهنگ‌ها، کتاب‌ها و پایان‌نامه‌ها در این زمینه بهره‌گرفته شده‌است. هدف از این تحقیق این است که نشان دهد منطقه جغرافیایی و مسافت در ایجاد گوناگونی زبانی تاثیر دارد. علاوه بر آن قیاس، داده‌ها با زبان فارسی نیز مقایسه و تطبیق داده می‌شود.

استان گیلان در جنوب غرب دریای خزر واقع شده است که براساس آخرین تقسیمات جغرافیایی دارای ۱۶ شهرستان به مرکزیت شهر رشت قرار دارد. مردمان هریک از این شهرستان‌ها به گویش منطقه‌ای یا گونه جغرافیایی آن منطقه سخن می‌گویند. از این میان گونه‌های رشت و صومعه‌سرا در این مطالعه مورد بررسی قرار می‌گیرند تا تفاوت‌ها و شباهت‌های آن‌ها مشخص شوند. از آن جایی که زبان فارسی بر این گویش ها سایه انداخته است، در نهایت با زبان معیار کشور نیز مورد مقایسه قرار می‌گیرند. با این بررسی از یک سو به

بقای گویش‌ها کمک می‌شود که داده‌های مناطق مختلف در بحث‌های علمی ثبت شوند و از سوی دیگر معیار جغرافیایی به عنوان یکی از عوامل مهم در ایجاد تنوعات زبانی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد که تا چه حد قدرت گذشته خود را حفظ کرده است و زبان فارسی یا عوامل دیگری مانند مهاجرت بر کاهش نفوذ این عامل مهم تنوعات زبانی (یعنی مکان جغرافیایی و منطقه) تأثیرگذار بوده است.

۶- قلمرو جغرافیایی پژوهش

زبان گیلکی از گروه زبان‌های ایرانی شاخه شمال غربی است که زبان مادری اکثر مردم استان گیلان است. گیلکی در محدوده استان گیلان از شرق با گویشوران مازندرانی و از غرب با گویشوران تالشی و از جنوب با گویشوران تاتی همجوار است و در درون محدوده خود دارای گونه‌هایی است (رودیگر، ۲۰۰۰).

زبان گیلکی از گروه زبان‌های شمال غربی ایرانی و در مجموع زبان‌های حاشیه خزر است. زبان گیلکی، مشتمل بر سه لهجه بیه پسی (غرب گیلان)، بیه پیشی (شرق گیلان) و گالشی (مناطق کوهپایه‌ای و کوهستانی گیلان و غرب مازندران) می‌باشد. مردم شمال غربی گیلان، به زبانی دیگر از خانواده گویش‌های کناره دریای خزر که زبان تالشی باشد تکلم می‌کنند. گیلکی نزدیکی زیادی با زبان مازندرانی داشته و گویشوران این دو زبان تا حد نسبتاً زیادی می‌توانند سخنان هم دیگر را بفهمند. گیلکی تنها در ایران رواج دارد و شبکه استانی گیلان بخشی از برنامه‌های تلویزیونی خود را به این زبان اجرا می‌کند. گیلکی به عنوان زبان رسمی جلسات شورای شهرستان رشت تعیین شده است (راستارگییوا و دیگران، ۲۰۱۲). شکل زیر مجموعه زبان‌های حاشیه دریای خزر را در قالب نقشه نشان می‌دهد.



www.Wikipedia .org

۷- یافته و بحث

در این بخش داده های زبانی جمع آوری شده به لحاظ آوایی و مسایل جغرافیایی وابسته به آن در نواحی غربی و شرقی مورد مطالعه قرار می گیرند.

۷-۱- گوناگونی آوایی

در رشتی واکه /i/ در بعضی از واژه ها با واکه های /a/ یا /e/ در گویش های گیلکی غربی و شرقی جایگزین می شود؛ جدول ۱ گوناگونی آوایی واکه /i/ را نشان می دهد.

جدول ۱ گوناگونی آوایی واکه /i/

گونه غربی	گیلکی	فارسی	انگلیسی
رشتی	ti kitâb	کتاب تو	Your book
ضیابر و گسکر	te kitâb		

/u/ در رشتی در همجواری با دیگر آواها به /ü/ تبدیل می شود (جدول ۲)؛

جدول ۲ گوناگونی آوایی واکه /u/

انگلیسی	فارسی	گونه های دیگر	رشتی
smoke	دود	dū	dud
muddy	گل الود	tū	tul

آواها هنگام هم‌نشینی در زنجیره‌ی گفتار، بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و دچار تغییر یا تحول می‌شوند. برخی از این گونه تغییرات و فرایندهای آوایی^۱ عبارتند از: همگونی^۲، همانندی واکه‌ای^۳، ابدال^۴، قلب^۵، حذف^۶، اضافه^۷. لذا می‌توان گفت فرایندهای آوایی نوعی تغییر ساختاری در مشخصه‌ها یا عناصر واجی زبان به حساب می‌آیند.

۷-۱-۱- همگونی همخوانی

در شکل گفتاری گویش گیلکی رشتی همانند زبان فارسی هرگاه همخوان لثوی /n/ قبل از همخوان دولبی /b/ یا /p/ واقع شود، آن همخوان به /m/ دولبی تبدیل می‌شود. در واقع از لحاظ جایگاه تولید به همخوان بعدی شباهت پیدا می‌کند و گویش‌ور با ساده‌سازی حرکات عضلانی راحت‌تر می‌تواند این‌گونه کلمات را ادا کند. در جدول زیر قاعده همگونی همخوانی در گفتار گیلکی ارائه می‌شود:

مانند:

گیلکی

فارسی

زنبور /zenbur/ → [zembur]

شنبه /ʃənbə/ → [ʃəmbə]

دنبه /dunbə/ → [dumbə]

پدرزن /zənpər/ → [zəmpər]

دنبال /dunbal/ → [dumbal]

¹ Phonological processes

² Assimilation

³ Vowel Harmony

⁴ Change

⁵ Metathesis

⁶ Deletion

⁷ Epenthesis

۷-۱-۲- همگونی واکه‌های

در این فرایند یک واکه تحت تأثیر واکه‌ی هم‌جوار خود قرار می‌گیرد و شبیه‌سازی رخ می‌دهد. به این معنا که در دو هجای مجاور، مشخصه‌های واکه‌ی یک هجا به مشخصه‌های واکه‌ی هجای دیگر شباهت پیدا می‌کند. (در زبان گیلکی هفت مصوت ساده و تعداد قابل توجهی مصوت مرکب مانند /ow/ وجود دارد، مصوت /ə/ از پربسامدترین مصوت گیلکی است که در زبان فارسی وجود ندارد.)

مانند:

فارسی

گیلکی

بدو

/bedo/ → [bodow]

بشور

/befur/ → [buʃur]

ببر

/bebor/ → [bobor]

بزن

/bəzæn/ → [bæzæn]

۷-۱-۳- حذف

در فرایند آوایی حذف، همخوان یا واکه‌ای از زنجیره‌ی گفتار حذف می‌شود. حذف ممکن است به دو صورت باشد:

الف: حذف همخوان پایانی

ب: حذف همخوان میانی

الف) حذف همخوان پایانی

در این فرایند یک واحد آوایی آخر کلمه حذف می‌شود. به عبارتی هرگاه در ترکیب آواها نوعی هم‌نشینی بین واحدهای زنجیره‌ی گفتار بوجود آید که خلاف نظام صوتی زبان باشد، یک واحد آوایی از آن حذف می‌شود (پورهادی، ۱۳۸۴ : ۵۵).

گیلکی	فارسی
/dæst/ → [dæs]	دست
/dust/ → [dus]	دوست
/rast/ → [ras]	راست
/duzd/ → [duz]	دزد
/pust/ → [pus]	پوست

ب) گاهی در کلمات مرکب همخوان میانی حذف می‌شود. مانند:

گیلکی	فارسی
/tʃændta/ → [tʃenta]	چند تا
/dæstmal/ → [desmal]	دستمال

۷-۱-۴- قلب

در زنجیره‌ی گفتار، گاهی دو همخوان کنار هم جایشان را با هم عوض می‌کنند. این فرایند را فرایند آوایی قلب می‌گویند که بیشتر در گفتار عامیانه یا توسط کودکان که تازه شروع به صحبت نموده‌اند به وقوع می‌پیوندد. مانند:

گیلکی	فارسی
/qofl/ → [qulf]	قفل
/aks/ → [ask]	عکس
/mæjǧ/ → [mæǧj]	مشق
/mædrəsə/ → [mærdəsə]	مدرسه
/kebrit/ → [kerbit]	کبریت
/buqab/ → [buxab]	بشقاب
/mæxərə/ → [mæxsərə]	مسخره

۷-۱-۵- اضافه

در این فرایند آوایی، همخوان یا واکه‌ای به زنجیره‌ی واحدهای آوایی همنشین اضافه می‌شود. هرگاه یک واج به آخر یک زنجیره‌ی گفتار اضافه گردد به آن اضافه‌ی پایانی گفته می‌شود و هرگاه یک واج در وسط یا شروع یک کلمه اضافه شود به آن اضافه میانی اطلاق می‌شود. مانند:

<u>فارسی</u>	<u>گیلکی</u>
فن	/fen/ → [fənd]
سن	/sen/ → [sənd]

گاهی نیز صامت بین دو مصوت مشدد می‌شود. مانند:

<u>فارسی</u>	<u>گیلکی</u>
دولا	/dula/ → [dulla]

هر چند که در مناطق متفاوت، گونه‌های متنوع گیلکی صحبت می‌شود اما تأثیر زبان فارسی در میان گویشوران نماینده‌ی قشر فرهیخته و تحصیل کرده‌ی رشت که هنگام بررسی زبان گیلکی گویشور ما بودند در تلفظ واکه‌ها بیشتر مشخص است. با توجه به گرایش به تلفظ فارسی در واژه‌هایی که با فارسی مشترک است مشخص می‌شود که این جایگزینی‌ها صورت می‌گیرد:

- جایگزینی آوای 0 به جای آوای u در واژه‌هایی که u کشیده‌ی تاریخی پیشینه‌ی آن است: dorost «درست»، təšəkkor «تشکر».
- جایگزینی آوای e به جای آوای i که i کوتاه تاریخی پیشینه‌ی آن است: ebtədə «ابتدا»، ertəʃâ «ارتجاع»، ettehâd «اتحاد» و غیره.
- جایگزینی آوای â به جای آوای a که â پیشینه‌ی آن است: xulâse «خلاصه»، âftâb «آفتاب»، râzi «راضی» و غیره.

این موضوع تا اندازه‌ای حتی در ضبط متون تأثیر داشته است، گرچه پس از تلفظ‌های مکرر خود گویشوران معمولاً این تلفظ را تصحیح می‌کردند. به طور کلی همان طور که پیش‌تر گفتیم آوای â ظاهراً تحت تأثیر زبان فارسی به زبان گیلکی راه یافته است.

در نمونه‌های زیر، برای نشان دادن مثال‌ها از فارسی، گیلکی غربی و شرقی و انگلیسی بهره گرفته شده است تا بطور همزمان خوانندگان مقایسه‌ای نسبی میان آن‌ها داشته باشند.

۷-۲- نشانه جمع

در گویش گیلکی غربی نشانه جمع به /âṅ/ ختم می شود و در گویش شرقی به /on/ (جدول ۳).

جدول ۳ نشانه جمع ۱

	گیلکی غربی	گیلکی شرقی	فارسی	انگلیسی
مفرد	dâṭ	dirâxt	درخت	tree
جمع	dâṭ.âṅ	dirâxt.ton	درخت‌ها	trees

در گیلکی، نشانه جمع برای بستگان و حصار با افزودن پسوند /šâṅ/ تولید می شود. چنین نشانه‌ای به نشانه سوم شخص جمع /ašâṅ/ و /ušâṅ/ شبیه است که معادل /Ina/ در زبان فارسی است. (جدول ۴)

جدول ۴ نشانه جمع ۲

گیلکی	فارسی	انگلیسی
mâṛâšâṅ	مادرینا	Their mother

۷-۳- حرف تعریف معرفه و نکره

معرفه در گیلکی با افزودن حرف تعریف معرفه ساخته می شود؛ در گیلکی غربی /a/ برای (این) و /u/ برای (آن) به کار می رود. در گیلکی شرقی /i/ برای (این) و /u/ برای (آن) استفاده می شود. (جدول ۵)

جدول ۵ حرف تعریف ۱

	گویش غربی	گویش شرقی	انگلیسی
حرف تعریف	/a/	/i/	this
	/u/	/u/	that

نشانه مفعولی /â/ در گویش غربی و /ə/ در گویش شرقی، معادل /ra/ در زبان فارسی هستند. (جدول ۶)

جدول ۶ حرف تعریف ۲

فارسی	گویش شرقی	گویش غربی
کتاب را	kitabâ	kitâbâ

با افزودن پسوند /i/ در پایان یک اسم در گیلکی، اسم نکره درست می شود. (جدول ۷)

جدول ۷ حرف تعریف ۳

انگلیسی	فارسی	گیلکی
A woman	زنی	zânâki

هنگامی که /itâ/ در گیلکی غربی، /yek ta/ در گیلکی شرقی و /yə/ در تالشی قبل از یک اسم قرار می گیرند، اسم نکره ساخته می شود. (جدول ۸)

جدول ۸ حرف تعریف ۴

انگلیسی	فارسی	تالشی	گیلکی شرقی	گیلکی غربی
A book	کتابی	yâ kitab	yâk ta kitab	itâ kitab

۷-۴- ضمایر شخصی

جدول ۹ ضمایر شخصی در رشتی و گونه‌های غربی دیگر

رشتی	گونه‌های غربی دیگر	فارسی	انگلیسی
m̄n	M̄n	من	I
tu	tu	تو	you
un	un	او	He/she/it
am^	am^	ما	we
š̄um̄	š̄um̄	شما	you
aš̄n	aš̄n	این‌ها	these
uš̄n	uš̄n	ان‌ها	those

۷-۵- ضمایر ملکی

جدول ۱۰ ضمایر ملکی رشتی و گونه‌های غربی دیگر

رشتی	گونه‌های غربی دیگر	فارسی	انگلیسی
m̄	mi	مال من	mine
t̄	ti	مال تو	yours
un	Un ã (i)	مال او	His/her/its
Am̄	ami	مال ما	our
š̄ima	š̄imi	مال شما	yours
uš̄n̄	uš̄ni	مال آنها	theirs
aš̄n̄	aš̄n̄ (i)	مال این‌ها	theirs

۶-۷- حروف اضافه

/jâ/ در گویش غربی و /zi/ در گویش شرقی معادل /az/ در زبان فارسی است. هر دو مانند پسوند عمل می کنند. (جدول ۱۱)

جدول ۱۰ حروف اضافه ۱

گیلکی غربی	گیلکی شرقی	فارسی
râjâ	raji	از راه

/e/ یا /re/ در گیلکی غربی و /be/ در گیلکی شرقی معادل /barâye/ در زبان فارسی هستند. (جدول ۱۲)

جدول ۱۱ حروف اضافه ۲

گیلکی غربی	گیلکی شرقی	فارسی
hasâne	-	برای حسن
mâṛə	mebe	برای من

/â/ در گونه غربی و /ə/ در گیلکی شرقی معادل /be/ در زبان فارسی هستند و بعد از متمم خود قرار می گیرد. (جدول ۱۳)

جدول ۱۲ حروف اضافه ۳

گیلکی غربی	فارسی	انگلیسی
aliyâ	به علی	To Ali
haâsnə	به حسن	To Hasan

۷-۷- حرف ربط

/u/ در گیلکی غربی و /o/ در گونه شرقی معادل حرف ربط /v/ در زبان فارسی هستند.

	فارسی	انگلیسی
گیلکی شرقی	amâd o hasən	Ahmad and Hasan
گیلکی غربی	mân u mi peir	Me and my father

۷-۸- جمله

گیلکی	/vâsti bādânim ksyim, çisim, koyə bâmoyim/
فارسی	باید بدانیم که هستیم, چه هستیم, از کجا آمده ایم
انگلیسی	We should know who we are, what we are and where are we come from
گیلکی	/xâyliyanâ jəxtərâ šo/
فارسی	از یادخیلی ها رفته است
انگلیسی	It is forgotten by many

گیلکی	/amâ dur durâ zəmətə šinim/
فارسی	ما به زمان های دور تعلق داریم
انگلیسی	We belong to past time

گیلکی	/xu pələyâ buxurd, xu dâs – u dimâ bušust/
فارسی	پلویش را خورد و دست و صورت خود را شست
انگلیسی	He ate his rice and washed his face and hand

همانطور که تحلیل و توصیف داده ها نشان می دهد تنوع در گونه های زبانی به چشم می خورد. نوع تلفظ، چینش کلمات در جمله و ویژگی های دستوری نشان می دهند که تفاوت هایی میان منطقه های جغرافیایی گیلکی غربی و شرقی وجود دارد. از این رو می توان منطقه جغرافیایی و قومیت را از عواملی دانست که سبب تنوعات گویشی می شود. اما از سوی

دیگر توسعه زبان فارسی و افزایش گویشوران این زبان در تغییر اصالت این گوناگونی بی تأثیر نیست. در مباحث زبان شناسی مربوط به گیلکی مشاهده می شود که زبان فارسی سبب وام گیری و تغییرات در گیلکی است. واکه‌ی \AA که ظاهراً از زبان فارسی وام گرفته شده است، در تعداد کمی از واژه‌ها دیده می‌شود که با فارسی مشترکند و ریشه‌ی آن واکه‌ی تاریخی \AA کشیده است: x\AA «خواب» (راستار گییوا و دیگران، ۲۰۱۲).

شاید به مرور زمان و با افزایش افراد تحصیلکرده در این استان، زبان معیار تغییرات دیگری را نیز شامل شود و دیگر منطقه جغرافیایی تنها و قویترین عامل تنوع در گیلکی نباشد. در تأیید چنین ادعایی در ادامه مقاله به شواهد پیشین ارجاع می‌کنیم.

۷-۹- تأثیر زبان فارسی

تأثیر زبان فارسی در میان گویشوران نماینده‌ی قشر فرهیخته و تحصیل کرده‌ی رشت که هنگام بررسی زبان گیلکی گویشور ما بودند در تلفظ واکه‌ها بیشتر مشخص است. با توجه به گرایش به تلفظ فارسی در واژه‌هایی که با فارسی مشترک است مشخص می‌شود که این جایگزینی‌ها صورت می‌گیرد:

- جایگزینی آوای o به جای آوای u در واژه‌هایی که u کشیده‌ی تاریخی پیشینه‌ی آن است: t\AA «تشرک».

- جایگزینی آوای e به جای آوای i که i کوتاه تاریخی پیشینه‌ی آن است: ebted\AA «ابتدا»، ert\AA «ارتجاع».

- جایگزینی آوای \AA به جای آوای a که \AA پیشینه‌ی آن است: xul\AA «خلاصه»، \AAft\AA «آفتاب».

به طور کلی، آوای \AA ظاهراً تحت تأثیر زبان فارسی به زبان گیلکی راه یافته است (راستار گییوا و دیگران، ۲۰۱۲). روی هم رفته با توجه به نظام همخوان‌ها همان گونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود، این همخوان‌ها با همخوان‌های زبان فارسی چندان تفاوتی ندارند. (همان: ۳۲). در زبان گیلکی واژه‌های بسیاری وجود دارند که دقیقاً همانند واژه‌های فارسی هستند. برخی از آنها احتمالاً از فارسی وام گرفته شده‌اند، مثلاً: صورت‌های وصفی همانند d\AArid\AA به

معنی «گستاخ، بی شرم». در زبان گیلکی این صورت‌های وصفی بازنمایی مستقلی از صیغه‌های اصلی‌شان هستند که در هر صورت ارتباطی بین آنها وجود دارد. گستره‌ی معانی این صورت‌ها محدودتر از معادل آنها در زبان فارسی است. مقایسه کنید گیلکی *dəridə* «دریده، گستاخ» و فارسی *dāride* (۱) «پاره، تکه پاره، شکسته»؛ (۲) «دریده، گستاخ، بی حیا». حتی بعضی از واژه‌ها در گفتار گیلکی تحت تأثیر زبان فارسی به صورت فارسی تلفظ می‌شوند. از این رو مثلاً دشوار بتوان گفت که در خصوص واژه‌ی *poxtəpəz* («پخت و پز، آشپزی») در گیلکی کدام درست است؛ آیا از فارسی وام گرفته شده یا واژه‌ای گیلکی بوده و فقط همانند فارسی تلفظ می‌شود. همسو با فعل *pəxtən* «پختن، آماده کردن غذا»، انتظار می‌رود صورت گیلکی *pəxtəpəz* داشته باشیم (همان جا).

۸- نتیجه‌گیری

بررسی داده‌های زبانی نشان می‌دهد که تنوعات گویشی و گوناگونی زبانی در نواحی مختلف جغرافیایی به چشم می‌خورد. گویش‌های شرقی و غربی که در نواحی متفاوت استان گیلان تکلم می‌شوند، به لحاظ آوایی، واژگانی و دستوری تفاوت‌هایی دارند. ناحیه جغرافیایی (جامعه زبانی آن ناحیه) به عنوان یکی از متغیرهای غیر زبانی در این تنوعات بی تأثیر نیست؛ اما با گسترش زبان معیار و افزایش مهاجرت به مناطق مختلف به نظر می‌رسد که تفاوت‌ها به ویژه در حوزه آوایی و نوع تلفظ کم رنگ شده است و زبان فارسی بر گیلکی تأثیر داشته است.

نشانه‌های آوانگاری

نشانه	آوا	نشانه	آوا
n	ن	۱.صامت (همخوان)	
l	ل	p	پ
r	ر	b	ب
y	ی	d	د
۲.مصوت (واکه)		t	ت-ط
a	ا	k	ک
e	ه	g	گ
ə	در انگلیسی about درباره ی	q	ق-غ
ä	اُ	f	ف
i	ای	v	و
u	او	s	ث-س-ص
ou	اُو	š	ش
ä	اُو	z	ذ-ز-ض-ظ
äi	اُی	ž	ژ
ei	ای	x	خ
uo	اُو	h	ه-ح
۳.سایر نشانه ها		č	چ
:	نشانه ی کشش	j	ج
ϕ	نشانه ی تهی	m	م

منابع

- پورالخاص، شکرالله؛ رضایی، سیما، فروغی راد، پیام. (۱۳۹۶)، «بررسی ساخت فعل ماضی در گویش گیلکی شرق گیلان»، فصلنامه ادبیات و زبان های محلی ایران زمین، ۷(۴)، پ، ۳۹، ۱۸-۶۲.
- پورهادی، مسعود، (۱۳۸۵)، زبان گیلکی، رشت، نشر فرهنگ ایلیا.
- حیدرپور، مرجان، (۱۳۸۹)، «بررسی و توصیف فرآیندهای آوایی معمول در زبان و گویش گیلکی رشت»، همایش زبان و گویش های محلی گیلان، دانشگاه آزاد واحد رشت، ۱-۱۳.
- دبیر مقدم، محمد، (۱۳۸۷)، «زبان، گونه، گویش و لهجه های کاربردی بومی و جهانی»، مجله ادب پژوهی، ش ۵، ۹۱-۱۲۸.
- دبیر مقدم، محمد (۱۳۹۲)، رده شناسی زبان های ایرانی، جلد اول، انتشارات سمت.
- راستار گیپوا، وی، اس و دیگران، (۲۰۱۲)، زبان گیلکی، (ترجمه م. دانای طوس، ن. صبوری و ه. واعظی، ۱۳۹۵). نشر ایلیا.
- رضایتی کیشه‌خاله، محرم، سبزه‌علیپور، جهان دوست (۱۳۸۷)، «بررسی ریشه و ماده افعال در گویش های تاتی، تالشی و گیلکی، تهران»، ادب پژوهی، ش ۶، صص ۱۱۱-۱۳۲.
- سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی (۱۳۹۷). استان شناسی گیلان، چاپ نهم، چاپ و نشر کتاب های درسی ایران.
- قلی فامیان، علی رضا؛ بصیرت، وحید. (۱۳۹۳). تحلیل فرآیندهای آوایی گویش گیلکی بر مبنای اطلس زبانی. فصلنامه زبان پژوهی. دوره ۶. ش. ۱۳. ۹۱-۱۱۰.
- طاهری، اسفندیار و حسینی ماتک، الهه (۱۳۹۶)، «ویژگی های آوایی شمال غربی در گیلکی» زبان فارسی و گویش های ایرانی، س ۲، دوره ۲، ش ۳، ۱۶۰-۱۴۸.
- مدرسی، یحیی، (۱۳۹۳)، درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.

Cook, G. (2003). *Applied Linguistics*. Oxford: Oxford university press.

Fromkin, A.; R, Rodman and N.Hyams(2014). *An introduction to language*, 10th edition. Wadsworth.

Rüdiger, Sch.(2000). *Die iranischen Sprachen in Gegenwart und Geschichte*. Wiesbaden (Reichert).

Wardhaugh, R. (2006). *An introduction to sociolinguistics*. Victoria, Australia: Blackwell Publishing.

